



|| شماره ۶ || زمستان ۱۳۹۷ ||

بررسی نتایج آخرین فصل از پژوهش‌های باستان‌شناختی تپه گیان نهاوند

اسماعیل همتی‌ازندریانی^I

علی خاکسار^{II}

(صص: ۲۲ - ۷)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۶

چکیده

آخرین فصل از پژوهش‌های میدانی تپه گیان نهاوند در زاگرس مرکزی در بهار و تابستان ۱۳۹۰ ه.ش. تحت عنوان گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه به سرپرستی علی خاکسار انجام شد که هدف اصلی این طرح، حفاظت فیزیکی این تپه شاخص در برابر عوامل تخریبی آن بود. در کنار این هدف، گاه‌نگاری تپه گیان و وضعیت باستان‌شناسی منظر بصری این محوطه نیز برای نگارندگان پرسش اصلی بودند. طی این برنامه پژوهشی، تعداد ۲۷ گمانه در ابعاد ۱/۵ در ۱/۵ متر در همه جهات تپه ایجاد گردید که نتایج قابل توجهی به دست داد. از جمله این نتایج می‌توان به ابعاد و اندازه تپه، شواهدی از دوره پارتی در آن و شناسایی عرصه واقعی تپه اشاره کرد که گسترش آن در بخش‌های جنوبی، شرقی و جنوب شرقی عرصه ظاهری تپه نشان می‌دهد که در زیر بافت خیابان‌ها و منازل مسکونی شهر کنونی گیان قرار داشته است. طی گمانه‌زنی در محدوده‌ای خارج از عرصه ظاهری تپه، شواهدی از یک تدفین عصر مفرغ میانی (تدفین ۱۲۳) شناسایی گردید که با توجه به مستند نبودن ۱۲۲ تدفینی که طی کاوش‌های هیأت فرانسوی به دست آمده بود، تصمیم بر آن شد تا این تدفین به طور کامل مورد کاوش و مستندنگاری قرار گیرد. پژوهش حاضر دارای نظامی کیفی، هدف آن بنیادی، و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. اساس یافته‌اندوزی در این پژوهش میدانی است. در این مقاله، ضمن ارائه نتایج حاصل از گمانه‌زنی، به بحث، بررسی و مطالعات تطبیقی تدفین ۱۲۳ تپه گیان پرداخته خواهد شد.

کلیدواژگان: زاگرس مرکزی، نهاوند، تپه گیان، تدفین، عصر مفرغ.

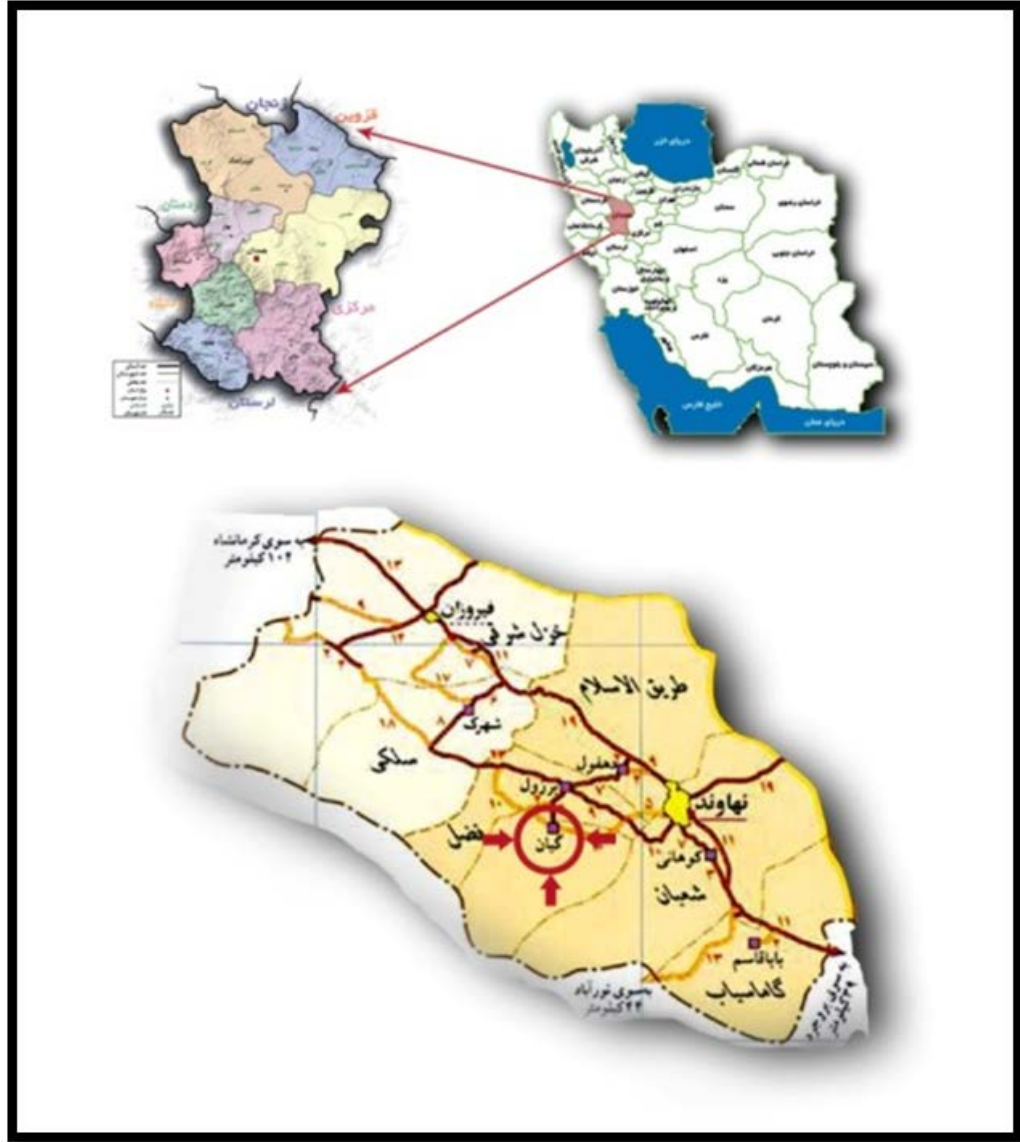
مقدمه

تپه‌گیان در ۹ کیلومتری غرب شهر نهاوند و در حاشیه شهر کوچکی به همین نام قرار دارد. این محوطه باستانی را باستان‌شناسان فرانسوی (کنتنو و گریشمن) در سال‌های ۱۹۳۱-۱۹۳۲ م. کاوش کردند و نتایج آن را در سال ۱۹۳۵ م. به چاپ رساندند (طلایی، ۱۳۸۷: ۹۷). ماحصل این کاوش‌ها دستیابی به آثاری از دوره مس‌سنگی تا اوایل هزاره اول ق. م. بود که نشان می‌داد ظاهراً در تسلسل و توالی تپه‌گیان از هزاره پنجم تا اوایل هزاره اول ق. م. هیچ نوع گسیختگی زمانی وجود ندارد (Contenau & Ghrihman, 1935). بی‌شک حفاری این تپه حفاصل کاوش‌های غیرعلمی و علمی در باستان‌شناسی ایران است؛ چراکه در تاریخ باستان‌شناسی ایران، هنوز نظام لایه‌نگاری به معنای امروزی آن مطرح نبوده و آنچه در زمان کاوش اهمیت داشته، یافتن سرمنشأ سفال‌های خاص منطقه گیان و برنزه‌های لرستان بوده است (محمدی‌فر، ۱۳۷۹: ۱۵). با توجه به اینکه حدود پنجاه سال گاه‌نگاری اواسط هزاره سوم تا اواسط هزاره دوم ق. م. منطقه غرب ایران براساس نتایج به دست آمده از حفاری‌های تپه‌گیان تنظیم گردیده، بیشتر اطلاعات مذکور از حفاری‌های قبرهای گیان به دست آمده و از نظر لایه‌نگاری چندان قابل اطمینان نیست (طلایی، ۱۳۸۵: ۱۴). از طرفی سفال‌های به دست آمده از این تپه نیز نقش مهم و کلیدی در طبقه‌بندی آن به پنج دوره اصلی و چندین لایه برعهده دارند (محمدی‌فر، ۱۳۷۹: ۱۶). در مجموع کاوش‌های تپه‌گیان تعداد ۱۲۲ گور به صورت پراکنده و در عمق‌های مختلف تپه کاوش شده‌اند. از سطح تپه تا عمق ۹/۵ متری، ۱۱۹ قبر و در عمق‌های ۱۱/۵، ۱۳ و ۱۴ متری هرکدام تنها یک قبر کاوش گردید (همان). این قبور به صورت گودال ساده بیضی‌شکل در خاک حفر شده‌اند و اسکلت بچه‌ها را داخل خمره‌های نسبتاً بزرگ دفن می‌کرده‌اند. اسکلت مردگان به صورت خمیده است و به نظر می‌رسد این خمیدگی اجباری نبوده است (طلایی، ۱۳۸۵: ۱۲). البته همراه این اسکلت‌ها، اشیاء تدفینی به عنوان هدیه در گورها قرار داده شده که به صورت زیورآلات، ابزارآلات جنگی، ظروف سفالی و فلزی و گاهی اشیاء استخوانی نیز بوده است. لازم به ذکر است که پس از کاوش‌های باستان‌شناسی در تپه‌گودین و ارائه گاه‌نگاری آن، تپه‌گیان از کانون توجه باستان‌شناسان خارج شد و این عدم توجه منجر به آن گردید تا در این سال‌ها عوامل متعددی موجودیت این تپه را تهدید و تخریب کند. از جمله این عوامل عبارتند از برداشت خاک تپه و انتقال آن به زمین‌های کشاورزی به منظور قوت‌دهی به زمین‌ها، گسترش بافت روستایی گیان و ایجاد بافت شهری با احداث خیابان‌های جدید و همچنین احداث ساختمان‌های نوساز در اطراف تپه که از مهم‌ترین عوامل محسوب می‌شدند. اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان به منظور جلوگیری از تخریب این تپه بسیار مهم و کلیدی در سال ۱۳۹۰ ش، طرح پژوهشی با عنوان گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و حریم تپه تعریف کرد که در ادامه به تفصیل نتایج حاصل از آن تشریح می‌شود.

موقعیت جغرافیایی

گیان بزرگ‌ترین مرکز بخش قدیمی و تاریخی شهرستان نهاوند است که در دشت گیان، در ۱۶ کیلومتری جنوب غربی نهاوند در جنوب استان همدان واقع شده است. شهر گیان در دامنه کوه‌های گرین قرار گرفته و کوه‌های گرین به موازات سفیدکوه کشیده شده و دشت خاوه را از بخش گیان جدا می‌کنند. تنها گذرگاه رابط دشت خاوه و منطقه گیان، تنگه گاماسیاب واقع در کوه گرین است (گاراژیان و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۳ و ۲۴)، (نقشه ۱). تپه‌گیان در حاشیه شمالی شهر کنونی گیان واقع شده و ضلع جنوبی آن در محاصره منازل مسکونی شهروندان قرار گرفته است. این تپه دارای ۳۵۰ متر طول و ۱۵۰ متر عرض و ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف ۱۹ متر بوده است (محمدی‌فر،

۱۳۷۹: ۷)، البته ارتفاع کنونی آن از سطح زمین‌های اطراف ۱۷ متر و ارتفاع متوسط تپه از سطح آب‌های آزاد ۱۶۰۰ متر است (خاکسار، ۱۳۹۲).



نقشه ۱. موقعیت استان همدان در نقشه ایران، موقعیت گیان در نقشه استان همدان (نگارندگان، ۱۳۹۷).

پیشینه پژوهشی

ژاک دمرگان در سال ۱۸۹۶ م. از نخستین پژوهشگرانی بود که منطقه لرستان را بررسی کرد. سپس ارنست هرتسفلد در سال ۱۹۲۹ م. در بخش شرقی لرستان تپه‌های گیلوران و گیان را شناسایی نمود (سجادی، ۱۳۷۸) و پس از مشخص شدن محل تپه‌گیان توسط هرتسفلد، هیأت باستان‌شناسی فرانسه به سرپرستی ژورژ کنتنو و رومن گریشمن طی سال‌های ۱۹۳۱-۳۲ م. (۱۱-۱۳۱۰ خورشیدی) در تپه‌گیان و در طول سال ۱۹۳۳ م. در تپه جمشیدی به حفاری پرداختند که گزارش این حفاری‌ها در سال ۱۹۳۵ م. منتشر شد (Contenau & Ghrihman, 1935). متأسفانه هنوز این کتاب به فارسی ترجمه نشده است. در سال ۱۳۸۲ ش. هیأتی به سرپرستی مهرداد ملک‌زاده اقدام به گمانه‌زنی

پیرامون تپه کرد که در یک فصل موفق به تکمیل این برنامه پژوهشی نگردیدند. سپس در سال ۱۳۹۰ ش. علی خاکسار سرپرستی برنامه پژوهشی گمانه‌زنی و تعیین حریم تپه‌گیان را برعهده گرفت.

روش کاوش

در ابتدا و قبل از هرگونه اقدام عملی، ضمن بررسی جوانب تپه و موقعیت و شواهد بصری عرصه ظاهری تپه، گمانه‌ها در خارج از این عرصه با فاصله متناسب (حداقل ۱۵ متر از عرصه ظاهری و فاصله طولی حدود ۵۰ متر از هم) انتخاب شد و پس از جانمایی گمانه‌ها با در نظر گرفتن جهت شمال به منظور نظم و توصیف دقیق داده‌ها، کاوش آغاز گردید. کاوش گمانه‌ها به صورت نظام لوکوس- لوکوس است؛ بدین معنی که در حین کاوش هرگونه تغییر در جنس، بافت، ساختار و داده‌های موجود در لایه‌ها عامل تغییر لوکوس می‌شود، همچنین لوکوس‌ها معیاری جهت دوره‌بندی و مرحله‌بندی زمانی محسوب می‌شوند.

نتایج حاصل از گمانه‌زنی

هدف اصلی از انجام گمانه‌زنی در تپه‌گیان، تعیین عرصه و حفظ آن از آسیب‌ها و تخریب‌ها بود. موارد متعددی از جمله تغییر و تبدیل بافت سنتی روستایی به الگوی بافت شهری، الزامات اصلاح معابر و ایجاد تأسیسات شهری و همچنین دخل و تصرفات ساکنان در تپه با برداشت خاک تپه به منظور قوت‌دهی به اراضی کشاورزی و نیز جهت مصارف ساختمانی را می‌توان عوامل اصلی دخیل در تخریب تپه‌گیان دانست (تصویر ۱). به همین منظور گمانه‌هایی با ابعاد ۱/۵ در ۱/۵ متر با در نظر داشتن اصول کاوش باستان‌شناسی در اطراف تپه ایجاد گردید. در همین راستا ۲۷ گمانه در جهات مختلف جغرافیایی در اطراف تپه ایجاد و طی این برنامه پژوهشی، عرصه واقعی تپه شناسایی شد و همچنین مشخص گردید که گسترش تپه در بخش‌های جنوبی، شرقی و جنوب شرقی تا زیر خیابان‌ها و بافت منازل مسکونی ادامه دارد. بنابر فراخور موقعیت قرارگیری گمانه‌ها، فواصل مختلف گمانه‌ها از یکدیگر و همچنین براساس نتایج حاصل شده از انجام گمانه‌زنی در اطراف عرصه ظاهری، خطوط عرصه واقعی تپه ترسیم گردید. متعاقب عرصه واقعی تعریف شده، خطوط حریم استحقاقی و حریم منطقی برای آن مشخص گردید. اطلاعات به دست آمده از گمانه‌زنی و تطبیق آن با نتایج حاصل از گزارش‌های کنتنو و گریشمن مبنی بر اینکه ابعاد و اندازه اولیه تپه (۳۵۰×۱۵۰ متر) است را می‌توان تأیید کرد، اما وضعیت منظر بصری موجود تپه هیچ‌گونه مطابقت با عرصه واقعی تپه ندارد (نقشه ۲). از سایر نتایج حاصل از گمانه‌زنی در تپه‌گیان می‌توان به دارا بودن شواهدی از آثار دوره پارتی با سفال شاخص جرینگی اشاره کرد. طبق مستندات موجود، بالاترین طبقه این تپه که با گیان I نام‌گذاری شده، از سطح تپه تا عمق ۴ متری را دربر می‌گیرد و شامل قبرهای شماره ۱ تا ۶۳ است (محمدی‌فر، ۱۳۷۹: ۱۴). مطلب مذکور جای بسی تأمل در لایه‌نگاری تپه دارد و امید می‌رود بتوانیم در آینده لایه‌نگاری دقیق و علمی‌تری ارائه کنیم.

لازم به ذکر است که در جریان گمانه‌زنی در سال ۱۳۹۰ ش. در یکی از گمانه‌ها (گمانه ۱۲) به طور اتفاقی شواهدی از یک تدفین مشخص گردید و با توجه به تصمیمات اداره میراث فرهنگی استان همدان مبنی بر اینکه هیچ‌کدام از تعداد ۱۲۲ گور کاوش شده توسط هیأت فرانسوی مستند نبوده، کاوش در این گمانه پی‌گیری شد که در ادامه تشریح می‌گردد.

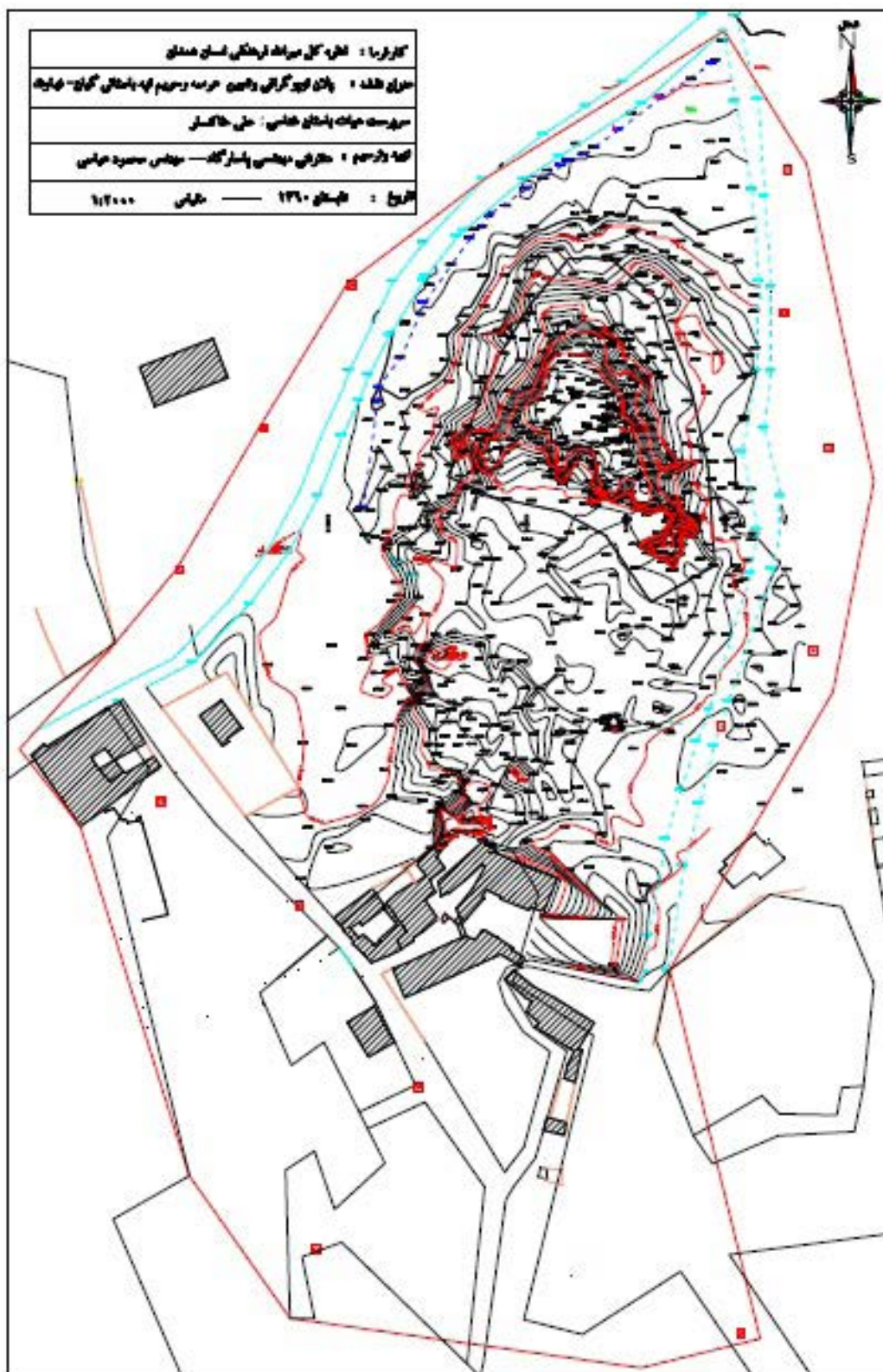
گمانه ۱۲ TTN 12 (گور ۱۲۳ گیان)

گمانه ۱۲ در شمال شرق تپه و خارج از عرصه ظاهری واقع است. این گمانه در ابعاد ۱/۵×۱/۵ متر با راستای شمالی- جنوبی به فاصله ۱۲ متری از عرصه ظاهری تپه انتخاب گردیده بود (خاکسار،



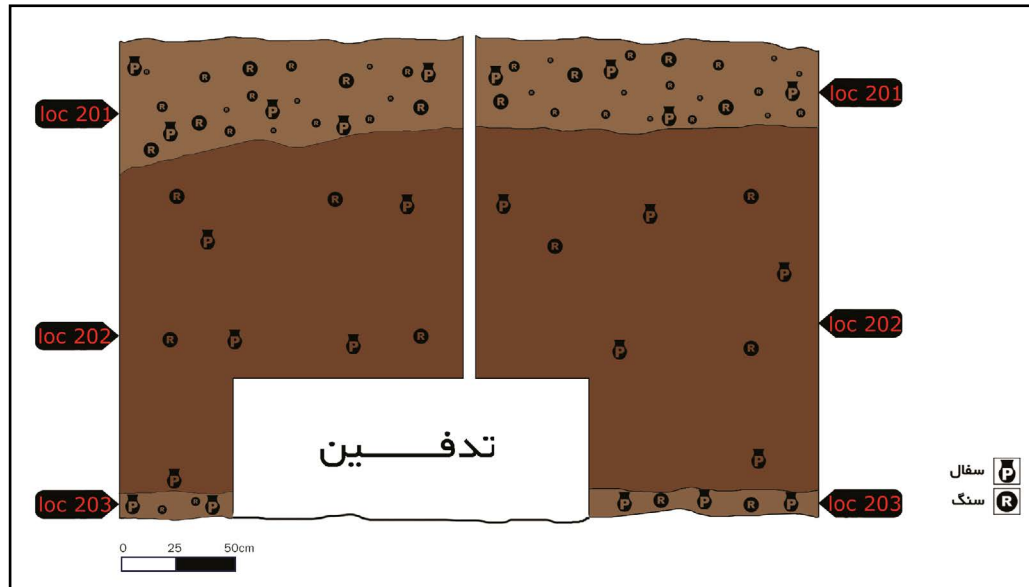
تصویر ۱. عکس هوایی شهر گیان، موقعیت قرارگیری تپه گیان در بافت مسکونی شهر (Google Earth) با اعمال تغییرات نگارندگان، ۱۳۹۷).

۱۳۹۰). کاوش تا عمق ۲ متری از نقطه ثابت گمانه به منظور شناسایی لایه بکر یا لایه قابل استناد (تاریخی یا پیش از تاریخی) ادامه یافت که ناگهان لبه یک ظرف کوچک سفالی مشخص گردید و جهت اطمینان از وجود و برج بودن لایه باستانی، کاوش ادامه یافت. در این حین شواهدی از وجود یک تدفین شناسایی شد. با توجه به نبودن هیچ‌گونه مستنداتی از ۱۲۲ تدفین انجام گرفته توسط هیأت فرانسوی و ارائه اطلاعات جدید در این راستا، تصمیم بر آن شد تا این تدفین به صورت کامل کاوش و مستندنگاری گردد و سپس با روش قالب بندی به اداره میراث فرهنگی منتقل شود. این تدفین به صورت یک گور شی دار بود که بخشی از آن در خارج از محدوده گمانه قرار داشت و به منظور نجات بخشی آثار تدفین و با توجه به وضعیت کاملاً اضطراری، گسترش ابعاد گمانه از سطح امکان پذیر نبود. بنابراین در دیواره شرقی و شمالی به عمق ۵۰ سانتی متر به طرف خارج گمانه پیشروی انجام شد (طرح ۱ و ۲). اشاره به این مطلب ضروری است که به دلیل قرارگیری بخشی از تدفین در خارج از محدوده گمانه و از سوی دیگر رطوبت بسیار بالای محل کاوش، امکان شناسایی چاله گور به طور دقیق میسر نگردید (طرح ۲). پس از مشخص شدن کامل گور و اشیاء مربوط به

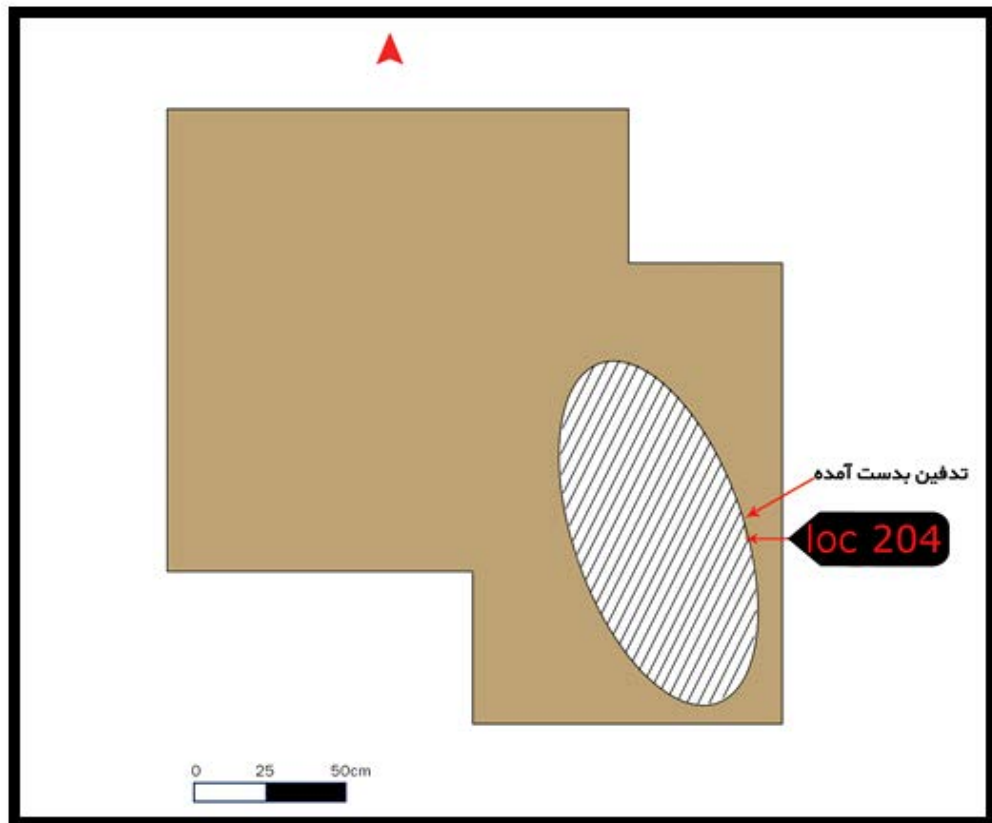


نقشه ۲. تعیین عرصه واقعی تپه براساس نتایج حاصل از گمانه‌زنی (خط قرمز رنگ)، (نگارندگان، ۱۳۹۷).

آن، مراحل مرمت و حفاظت محتویات گور در حین کاوش (شامل پاک‌سازی، استحکام‌بخشی و سپس بلوکه‌کردن و انتقال اسکلت) توسط آقای وحیدرضا اصلاحی مرمتگر هیأت باستان‌شناسی انجام گرفت.



طرح ۱. برش دیواره شرقی و جنوبی گمانه ۱۲ و محل قرارگیری تدفین در گمانه (نگارندگان، ۱۳۹۷).



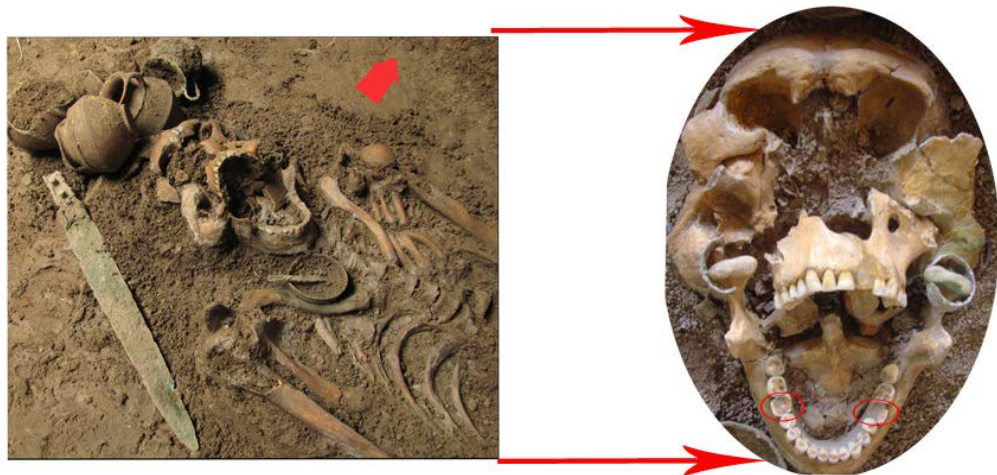
طرح ۲. برش از بالا، نمای از تدفین و محل قرارگیری چاله گور (نگارندگان، ۱۳۹۷).

توصیف اسکلت

در تدفین ۱۲۳، اسکلت در جهت جنوب غربی - شمال شرقی قرار دارد؛ طوری که سر به طرف جنوب غرب و پاها به طرف شمال شرقی امتداد دارد. نیم تنه بالایی به همراه لگن به حالت کاملاً طاق باز، کتف کاملاً با زمین مماس، و سر و صورت رو به بالاست. همچنین مجموعه بر اثر فشارهای وارده به طور کلی شکسته شده و از حالت اولیه خود خارج گردیده است (تصویر ۲). استخوان فک و دندان‌ها کاملاً سالم هستند، دهان به طور بسیار نادر و غیرطبیعی باز است و دو حلقه مفربی باز در محل اتصال فک پایین به فک بالا قرار دارد. تمام دندان‌های این اسکلت به جز یک مورد (دندان نیش) کامل و از سلامت بالایی برخوردارند و در دندان‌های آسیای کوچک شواهدی از ساییدگی مشاهده می‌شود (تصویر ۳). استخوان جناق از بین رفته، اما استخوان‌های ترقوه و ردیف دنده‌ها در اطراف مهره‌ها به ترتیب و منظم باقی مانده است. استخوان بازوی سمت چپ به موازات ستون فقرات و استخوان ساعد روی شکم قرار دارد و استخوان بازوی سمت راست اسکلت به موازات ستون فقرات قرار گرفته و استخوان ساعد و مچ دست و انگشتان روی استخوان‌های قفسه سینه قرار گرفته‌اند. استخوان‌های لگن به همراه استخوان‌های خاجی در جای اصلی و اولیه خود محفوظ مانده‌اند و استخوان خاجی تقریباً کامل به نظر می‌رسد. پاها بر روی شکم و در سمت راست لگن به صورت جمع تدفین شده‌اند و استخوان‌های انگشتان به همراه مچ دو پا در پایین سمت راست لگن به روی هم قرار گرفته‌اند که در اثر فشارهای خارجی پس از تدفین لگن از محل اصلی قرارگیری خود جابه‌جا شده و به انگشتان و مچ دو پا نزدیک شده‌اند. استخوان ران پای چپ بر روی لگن است؛ به طوری که قسمت انتهایی ران دقیقاً بر روی آرنج دست راست قرار دارد. البته این استخوان با یک چرخش ۹۰ درجه و لغزش و جابه‌جایی جزئی از محل اصلی خود جابه‌جا شده است (Azandaryani & Khaksar, 2013)، (تصاویر ۲ و ۳).



تصویر ۲. چگونگی قرارگیری تدفین و اشیاء در چاله گور (نگارندگان، ۱۳۹۷).



تصویر ۳. جزییات دقیق از تدفین؛ باز بودن دهان، محل قرارگیری حلقه‌ها و ساییدگی دندان‌های آسیای کوچک (نگارندگان، ۱۳۹۷).

توصیف اشیاء

در این گور همراه اسکلت ۱۹ قطعه شیء شامل (ظروف سفالی و مفرغی، خنجر مفرغی، شیء استخوانی، گوشواره‌های مفرغی، حلقه‌های مفرغی مربوط به زائده فکی، تیغه فلزی پارویی شکل، حلقه‌های مفرغی روی استخوان آرنج) به عنوان اشیایی تدفینی و هدایای گور کشف گردید که بیشتر این اشیاء در بالای سر اسکلت و هم سطح با آن قرار گرفته‌اند (تصاویر ۲ و ۳).

ظروف سفالی: تعداد شش ظرف سفالی با ویژگی‌های تقریباً مشابه از نوع ظروف گودین (III) در این گور یافت شد. ظروف با دهانه تنگ، لبه به بیرون برگشته، گردن دار و دارای زاویه در شانه و شکم به صورت پایه دکمه‌ای یا کف تخت و گاهی با دسته عمودی است. این ظروف چرخ‌ساز با پخت کافی و شاموت معدنی با خمیره‌ای نخودی یا قرمز آجری‌اند. این ظروف منقوش با نقوش سیاه روی زمینه با پوشش گلی (رقیق یا غلیظ) نخودی و کرم‌رنگ‌اند. نقوش آن‌ها اغلب در قسمت فوقانی ظروف به صورت خطوط افقی و باندهای موازی روی شانه و شکم ظروف رخ‌نمون می‌نماید که بین آن‌ها نقوش هاشورزده به همراه نقوش گیاهی، هندسی به صورت لوزی‌های هاشورزده و مثلث‌های توپ‌رو به روی هم و پشت به هم و یا نقش پرند نمایان است (تصاویر ۲، ۳ و ۴) و (طرح ۳).

ظروف مفرغی: تعداد چهار قطعه ظرف مفرغی در مجاورت اسکلت کشف شد که سه نمونه از نوع ظروف دهانه‌تنگ با لبه به بیرون برگشته و گردن دار با بدنه‌ای مدور و پایه‌ای دکمه‌ای شکل هستند که در یک مورد بهتر حفظ شده، دارای یک دسته متصل از بدنه به شکم است. دو نوار برجسته در شانه ظرف قابل مشاهده است. مورد دیگر، یک ظرف مفرغی پیاله‌ای شکل است که بین استخوان ترقوه سمت راست و فک پایین قرار گرفته و یک شیء کوچک ناودانی شکل به طول ۸ سانتی‌متر درون آن مشهود است. به نظر می‌رسد ظروف مفرغی مذکور به روش موم گمشده ساخته شده‌اند و به دلیل رطوبت بالا، خوردگی در آن‌ها رخ داده و استحکام کافی ندارند (تصاویر ۲، ۳، ۴ و ۵).

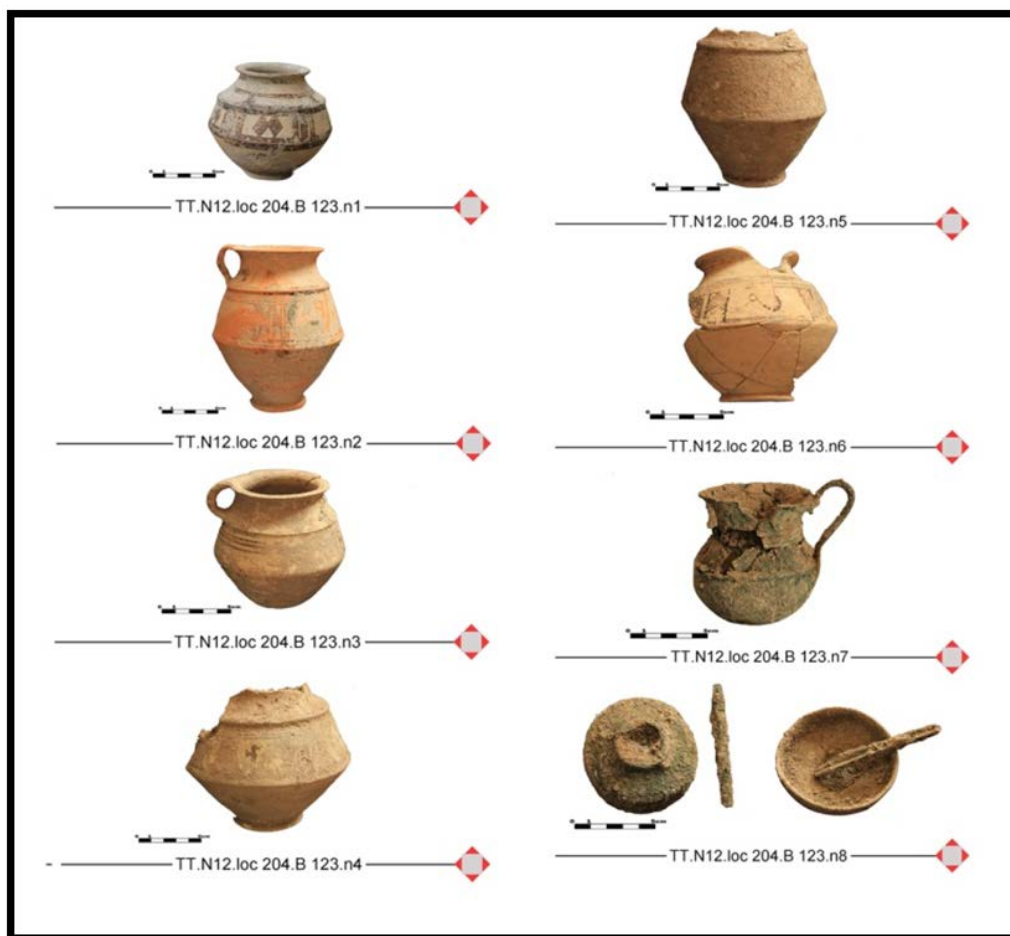
خنجر مفرغی: این شیء در سمت راست مجمله است، به طول ۴۲/۵ سانتی‌متر و بیشترین ضخامت و پهنای آن ۰/۷ و ۴/۳ سانتی‌متر می‌باشد و طوری قرار گرفته که انتهای آن در امتداد شانه واقع است. با توجه به یکی بودن جنس دسته و تیغه به نظر می‌رسد پوششی روی دسته

الحاق شده که این امر به صورت پرچ روی دسته نمایان است، اما جنس ماده الحاقی جهت پرچ نامشخص است. همین طور جهت استحکام تیغه خنجر در قسمت میانی آن یک میله قرار گرفته و هر دو طرف خنجر حالت تیزی و برندگی دارد. به نظر می‌رسد شیوه ساخت آن چکش کاری است و وضعیت تزئین تیغه به دلیل خوردگی و زنگ زدگی بالا نامشخص است (تصاویر ۲، ۳ و ۵).

شیء استخوانی: این شیء استخوانی واقع در قسمت فوقانی مجسمه و در بین ظروف، به نظر یک آویز می‌رسد. این شیء مستطیل شکل به طول و عرض $4/4$ و $2/3$ سانتی متر است که در قسمت میانی آن مستطیل دیگری در اندازه $2/4$ و $1/2$ سانتی متر خالی است. سه سوراخ در این شیء مشهود است که احتمالاً دارای کاربردی جهت آویز از لباس داشته و روی این شیء بسیار ظریف تراش خورده و پشت آن بدون تراش است (تصویر ۵).

گوشواره مفرغی: این دو گوشواره در مجاورت مجسمه به شکل حلقه باز (مدور) به قطر $1/9$ سانتی متر و به ضخامت ۳ میلی متر است. جنس این گوشواره‌ها نقره‌ای و شیوه ساخت آن احتمالاً چکش کاری است (تصاویر ۳ و ۵).

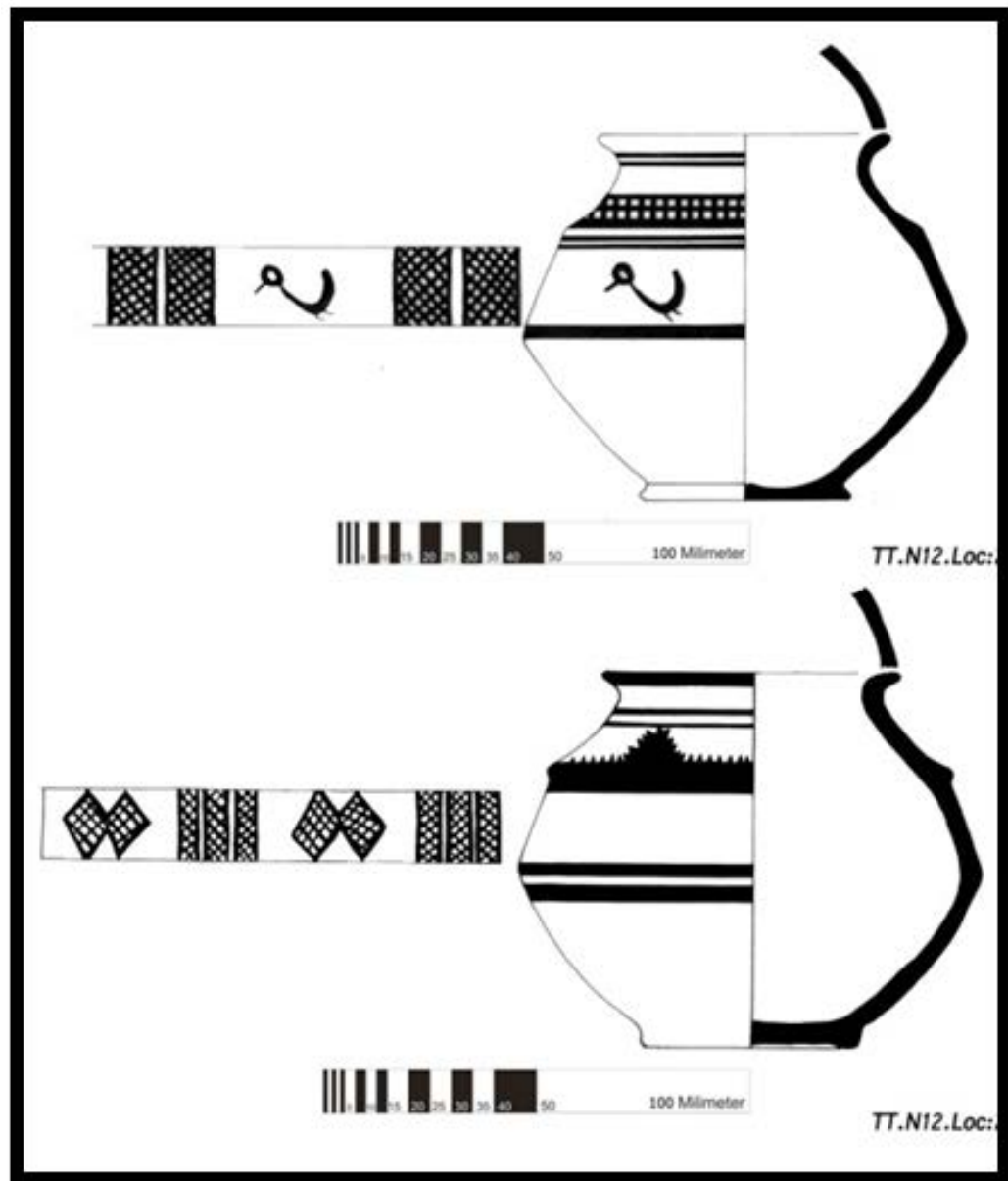
حلقه مفرغی مربوط به زائده فکی: این حلقه‌های مفرغی که محل قرارگیری آن، محل اتصال فک پایین به بالا است، دقیقاً زائده اتصالی فک پایین را دربر گرفته است. این حلقه به قطر ۳ سانتی متر و پهنای $1/3$ سانتی متر و ضخامت ۱ میلی متر است و در ضمن حلقه متصل به زائده فکی سمت راست به نسبت سالم تر است (تصاویر ۲، ۳ و ۵).



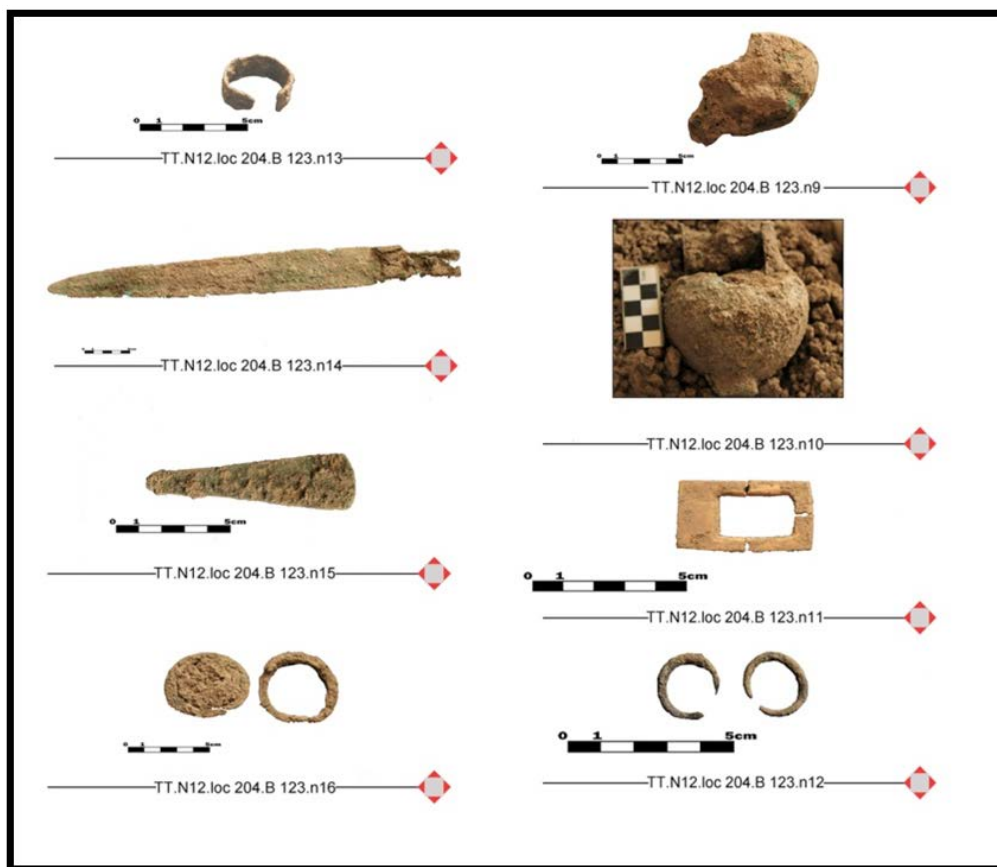
تصویر ۴. اشیاء تدفینی مکشوفه از گور ۱۲۳ گیان (ظروف سفالی و فلزی)، (نگارندگان، ۱۳۹۷).

تیغهٔ مفرغی پارویی شکل: این شیء درکنار و امتداد خنجر به دست آمده و دارای ضخامت ۲ میلی‌متر است و حداقل و حداکثر پهنای آن در دو سمت آن ۰/۹ و ۲/۳ سانتی‌متر است. دو سمت جانبی آن هلالی شکل است و شیوهٔ ساخت آن چکش‌کاری است (تصویر ۵).

حلقهٔ مفرغی روی استخوان آرنج‌ها: این حلقه مفرغی با انتهای باز به شکل تخت دارای قطر ۵/۱ سانتی‌متر، پهنای و ضخامت ۶ و ۳ میلی‌متر است. این حلقه شکسته شده و به دلیل خوردگی و زنگ‌زدگی، وضعیت تزئین نامشخصی دارد، ولی به نظر می‌رسد به شیوهٔ چکش‌کاری ساخته شده است (تصاویر ۲ و ۵).



طرح ۳. طرح دو نمونه از ظروف کامل و سالم مربوط به گور ۱۲۳ تپه‌گیان (نگارندگان، ۱۳۹۷).



تصویر ۵. اشیاء تدفینی مکشوفه از گور ۱۲۳ گیان (شمشیر، تزئینات و پلاک استخوانی)، (نگارندگان، ۱۳۹۷).

بحث و تحلیل

از جمله دوره‌های مهم در گاه‌نگاری پیش‌ازتاریخ ایران، عصر مفرغ است؛ دوره‌ای از تطور جوامع انسانی که با تغییرات مهم در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، هنری و اقتصادی نسبت به دیگر دوره‌ها مطرح می‌شود. در این دوره سنت دیرپای تدفین مردگان در کف خانه‌های مسکونی متروک شد و شیوه جدیدی به صورت گورستان که عموماً خارج از محل‌های زیست و فعالیت‌های تولیدی قرار داشتند معمول گردید (طلایی، ۱۳۸۱: ۱۷۴ و طلایی، ۱۳۸۵: ۳۹). یکی از داده‌های منسجم باستان‌شناسی که بیشترین اطلاعات را درباره جنبه‌های معنوی فرهنگ‌های پیش‌ازتاریخ در اختیار باستان‌شناسان قرار می‌دهد، قبور و سنت‌های تدفینی جوامع پیش‌ازتاریخ است. از سوی دیگر قبور و اشیاء داخل آن‌ها را می‌توان به‌عنوان تصویر زنده‌ای از لحظات خاص زندگی جوامع گذشته در نظر گرفت. افزون بر آن قبور و شیوه‌های تدفینی، اطلاعات بسیار زیادی در زمینه گاه‌نگاری، قوم‌نگاری، انسان‌شناسی، روابط اجتماعی، اقتصادی و طبقات اجتماعی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد (طلایی، ۱۳۸۱: ۱۷۴).

از مهم‌ترین رویکردها در باستان‌شناسی که امروزه به‌صورت گسترده به آن پرداخته شده، باستان‌شناسی اجتماعی است. داده‌های فرهنگی به‌دست‌آمده از یک مطالعه میدانی، زوایای گوناگونی از ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و شاخصه‌های فرهنگی آن جامعه باستانی را در معرض دید پژوهشگر قرار می‌دهد. از دیدگاه پژوهشگران این حوزه، باستان‌شناسی اجتماعی، مطالعه جوامع گذشته براساس مواد برجای مانده از آن‌هاست (Redman et al., 1978: 6). از جمله متداول‌ترین و

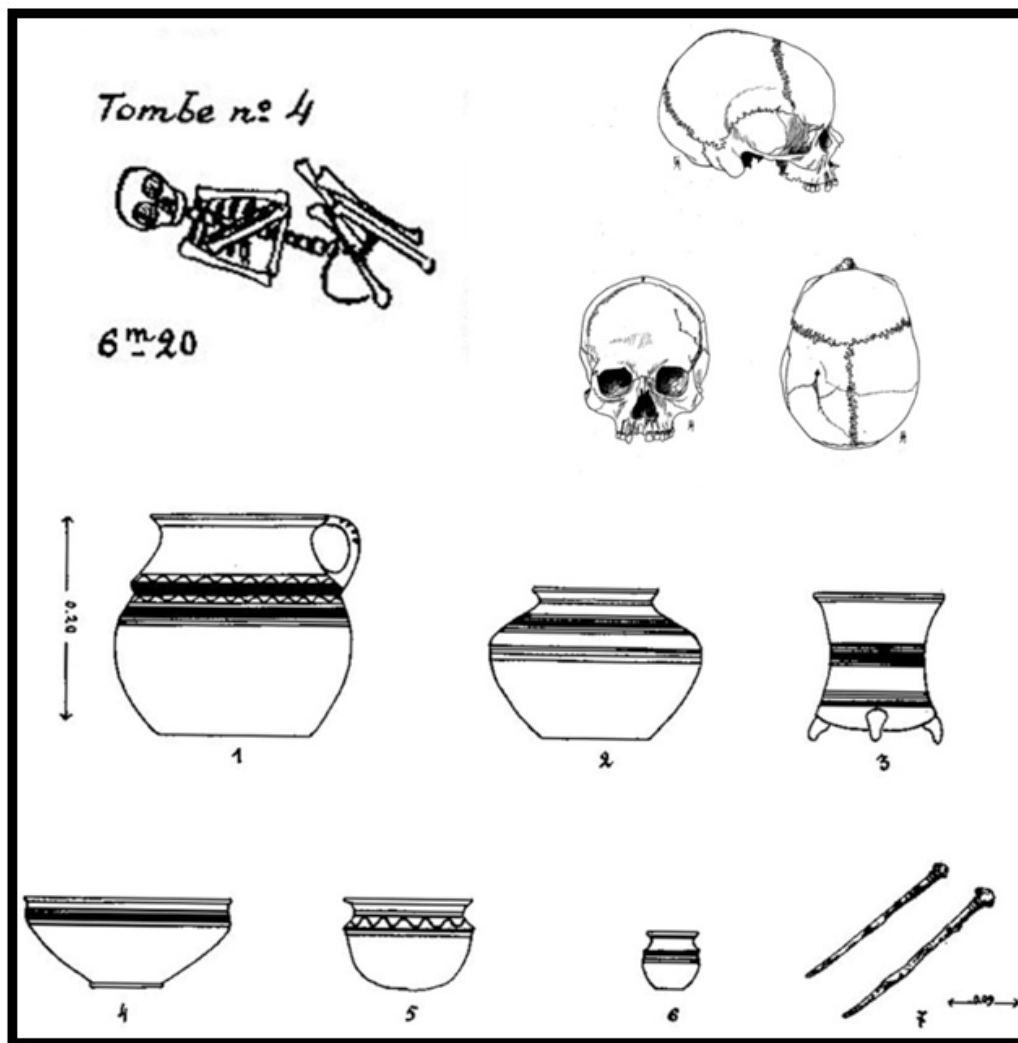
مهم‌ترین روش‌ها که می‌تواند به بازسازی گذشته به‌عنوان یکی از اهداف باستان‌شناسی کمک کند، تدفین‌ها و داده‌های حاصل از آن‌هاست (دارک، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

با توجه به مطالب مذکور، در رابطه با تدفین در گور ۱۲۳ تپه‌گیان و برمبنای داده‌های موجود می‌توان مقایسه‌هایی در زمینه روش تدفین و اشیاء مرتبط با آن انجام داد (تصویر ۲) و (طرح ۴). براساس مطالعات استخوان‌شناسی صورت‌گرفته روی اسکلت مشخص می‌شود که این اسکلت مربوط به یک مرد قوی‌هیكل با سن تقریبی ۳۵ تا ۴۰ سال است که وضعیت جسمانی استخوان‌های آن نسبتاً سالم حفظ شده است. به‌نظر می‌رسد در تدفین اولیه، تغییراتی صورت گرفته که نمود آن نبودن برخی استخوان‌های بند انگشتان دست و پای این تدفین و همین‌طور حلقه‌های قرار داده‌شده در استخوان زائده فکی این شخص است. دلیل این امر این است که در یک شخص زنده یا تازه متوفی، به‌دلیل حجم انبوه عضلات و عروق در این بخش از استخوان فک، انجام چنین امری (قرار دادن حلقه) غیرممکن است. با بررسی‌های انجام‌گرفته، این حلقه‌ها نمی‌توانند گوشواره باشند یا اینکه به‌طور اتفاقی و یا در اثر فرآیند طبیعی نهشته‌شدن پس از تدفین در آن محل قرار گرفته باشند؛ زیرا در بین اشیاء گور همراه اسکلت، علاوه بر این حلقه‌ها، ۲ گوشواره وجود دارد. از سوی دیگر حلقه‌ها به‌طور کاملاً متقارن روی دو زائده قرار گرفته‌اند و در نهایت خارج کردن حلقه‌ها به‌آسانی امکان‌پذیر نیست (تصاویر ۲ و ۳) و همچنین هیچ اثری از خراش یا بریدگی روی استخوان زائده فکی مشاهده نمی‌شود (Hemati Azandaryani & Khaksar, 2013). احتمالاً باز ماندن دهان بی‌ارتباط با این حلقه‌ها نمی‌تواند باشد و از طرفی قرار دادن سر به طوری که دهان نیمه‌باز یا کاملاً باز باشد، از ویژگی‌های گورهای عصر آهن است (دانی، ۱۳۷۵: ۲۴۴).

آثار و اشیاء تدفین نشان‌دهنده جنبه‌های عملکردی و آیینی در تدفین هستند، درحالی‌که هدایای قبور تنها به جنبه آیینی تعلق دارند و هدایای داخل این گور را در درجه اول، ظروف سفالی تشکیل می‌دهد. ظروف سفالی این گور همگی مربوط به فرهنگ گیان (III و IV) و گودین III است (تصویر ۴) و (طرح ۳). فرهنگ گیان و گودین از فرهنگ‌های محلی زاگرس مرکزی ایران در دوران مفرغ است که از نظر زمانی، اواسط هزاره سوم تا اواخر هزاره دوم ق.م. را شامل می‌شوند و گستره این فرهنگ‌ها از نهبوند تا بروجرد را شامل می‌شده است. سفال‌های نوع گیان IV از سفال‌های شوش D و سفال‌های منقوش ایلامی در منطقه خوزستان و شوش تأثیر پذیرفته است و مرحله پایانی سفال‌های نوع گیان IV مربوط به اواخر هزاره دوم ق.م. است که بعد از آن سفال‌های نوع گیان III که از قبرهای تپه‌گیان، تپه‌جمشیدی و تپه‌گودین III به‌دست آمده است، مشاهده می‌شود (طلایی، ۱۳۸۵: ۱۳)، (طرح ۳ و ۴). با توجه به وجود اشیاء فلزی در این تدفین و بررسی شاخصه‌های عصر مفرغ و وجود شواهد بصری مانند نوع آلیاژ به‌کاررفته در ساختار اشیاء، فن و شیوه ساخت که آلیاژ آن دارای قابلیت استحکام و خصوصیت شکل‌پذیری و چکش‌خواری بوده و ابتدا با روش ریخته‌گری و سپس با چکش‌کاری (گرم و سرد) شکل گرفته است، بیانگر عصر مفرغ (۳۰۰۰ تا ۱۴۵۰ ق.م) است (تصاویر ۴ و ۵).

براساس مطالعات تطبیقی انجام‌گرفته، مشابه این تدفین که بالاتنه و لگن به‌صورت طاق‌باز و پاها به‌صورت جمع‌شده یا خمیده به یک‌سمت است، در تپه‌جمشیدی در گورهای ۴، ۵ و ۷ طبقه سوم این تپه نیز به‌دست آمده است که از بین آن‌ها اسکلت گور ۴ بیشترین تشابه را با نمونه مکشوفه در تپه‌گیان دارد. براساس مقایسه‌های بین اشیاء و هدایای این گور و تدفین مشابه در تپه‌جمشیدی (گندمان) که شامل ۸ قطعه شیء از جمله ظرف بزرگ دسته‌دار با نقش مشکی روی زمینه قرمز، ظرف کوچک با دواير مشکی روی زمینه آجری، ظرف سه‌پایه‌ای با نقش مشکی روی زمینه قرمز، کاسه بزرگ با نقش مشکی روی زمینه نخودی، کاسه با نقش مشکی روی زمینه قرمز، کاسه کوچک با دایره‌های مشکی روی زمینه قرمز، دو سنجاق برنزی با تزئینات کنده دایره‌ای شکل

است (Contenau & Ghrihman, 1935: 109, pl.74)، (طرح ۴). در نهایت مشابهت بین اشیاء دو گور وجود ندارد و فقط تشابه در نحوه تدفین و قرارگیری اسکلت دیده می‌شود (تصاویر ۲ و ۳ و (طرح ۴).



طرح ۴. تدفین شماره ۴ تپه جمشیدی، نحوه قرارگیری اسکلت و اشیاء تدفینی (Contenau and Ghrihman 1935: 109, pl. 74).

نتیجه‌گیری

برنامه پژوهشی گمانه‌زنی تپه‌گیان نشان داد که گسترش تپه در بخش‌های جنوبی، شرقی و جنوب شرقی تا زیر خیابان‌ها و بافت منازل مسکونی ادامه دارد. اطلاعات به دست آمده از این پژوهش نشان داد که ابعاد و اندازه اولیه تپه (۱۵×۳۵ متر) که هیأت فرانسوی به آن اشاره می‌کنند، قابل تأیید است، اما وضعیت منظر بصری موجود تپه هیچ‌گونه مطابقت با عرصه واقعی تپه ندارد. از سایر نتایج حاصل از گمانه‌زنی در تپه‌گیان می‌توان به شواهدی از آثار دوره پارسی با سفال شاخص جرینگی اشاره کرد، در حالی که کاوشگران فرانسوی معتقدند بالاترین طبقه این تپه یا گیان I مربوط به هزاره اول قبل از میلاد است.

در رابطه با تدفین ۱۲۳ تپه‌گیان باید اشاره کرد که براساس مطالعات استخوان‌شناسی، این اسکلت مربوط به یک مرد قوی هیکل با سن تقریبی ۳۵ تا ۴۰ سال است که وضعیت اسکلت آن نسبتاً سالم حفظ شده است. با توجه به شواهد موجود به نظر می‌رسد در تدفین اولیه تغییراتی صورت گرفته که نمود آن نبودن برخی استخوان‌های بند انگشتان دست و پای این تدفین است و همین‌طور حلقه‌های قرار داده شده در استخوان زائیده فکی که در یک انسان زنده به دلیل حجم انبوه عضلات و عروق در این بخش از استخوان فک، انجام چنین امری غیرممکن است و احتمالاً همین حلقه‌ها باعث بازماندن دهان شده و نمایانگر نوعی سنت تدفینی است.

در این گور ۱۹ قطعه اشیاء تدفینی شناسایی شد که بیشترین تعداد هدایا مربوط به ظروف سفالی است و براساس گونه‌شناسی سفالی، همگی مربوط به فرهنگ گیان III و IV و گودین III هستند که به لحاظ زمانی مربوط به اواسط هزاره سوم تا اواخر هزاره دوم ق. م. می‌باشند. وجود اشیاء فلزی در این گور و بررسی نوع آلیاژ مفرغی به کاررفته در ساختار اشیاء، فن و شیوه ساخت ظروف فلزی به روش موم گمشده و در سایر اشیاء فلزی با فن چکش‌کاری است. در نهایت براساس مطالعات تاریخی - تطبیقی و در نظر گرفتن دوره‌بندی فرهنگ‌های پیش از تاریخ تپه‌گیان می‌توان متصور شد که این تدفین متعلق به عصر مفرغ (میانی) و مربوط به بازه زمانی ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ق. م. است.

سپاسگزاری

در پایان لازم می‌دانیم از تمامی دوستانی که در نوشتن این مقاله، نگارندگان را یاری رسان بودند، تشکر و قدردانی کنیم. از ارائه نظرات استاد مهدی رهبر، دکتر عباس مترجم، دکتر حامد وحدتی‌نسب در خصوص این مقاله تشکر می‌کنیم و از اعضاء هیأت کاوش تپه‌گیان در سال ۱۳۹۰ ش. آقایان محسن جانجان، احمد علی عرب، عباس صارمی، حمید خانعلی، محمد شعبانی، حمید عبدلی و خانم خدیجه زرینی صمیمانه سپاسگزاریم.

کتابنامه

- خاکسار، علی (۱۳۹۰). «گزارش گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه‌گیان نهاوند». میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان همدان (منتشر نشده).
- دارک، کن، آر (۱۳۸۷). مبانی نظری باستان‌شناسی. ترجمه کامیار عبدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دانی، الف، ح (۱۳۷۵). «قبایل دامدار-کشاورز پاکستان در دوره پس از سند». تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی. بخش دوم از جلد اول. ترجمه صادق ملک شه‌میرزادی، تهران: وزارت امور خارجه. صص: ۲۷۴-۲۳۵.
- سیدسجادی، سیدمنصور؛ و سامانی، نورعلی (۱۳۸۷). «گزارش یک فصل کاوش در تپه نورآباد لرستان». باستان‌شناسی و هنر ایران، ۳۲ مقاله در بزرگداشت عزت‌الله نگهبان. به‌کوشش: عباس علیزاده، یوسف مجیدزاده و صادق ملک شه‌میرزادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی. صص: ۱۳-۸۵.
- طلائی، حسن (۱۳۸۱). «سنت‌ها و شیوه‌های تدفین در عصر آهن (حدود ۸۰۰-۱۴۵۰ ق. م.)». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. شماره‌های ۱۶۲ و ۱۶۳. صص: ۱۹۲-۱۷۳.
- طلائی، حسن (۱۳۸۵). باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد. چاپ چهارم، تهران: سمت.
- طلائی، حسن (۱۳۸۷). عصر آهن ایران، تهران: سمت.

- گاراژیان، عمران؛ عادل، جلال؛ و پاپلی یزدی، لیلا (۱۳۸۴). «الگوی استقرار در دشت خاوه و منطقه میربگ زاگرس مرکزی براساس بررسی باستان شناختی منطقه». پیام باستان شناس. سال دوم، شماره ۴. صص: ۲۱-۵۹.
- محمدی فر، یعقوب (۱۳۷۹). «نگاهی دیگر به کاوش های باستان شناسی تپه گیان نهاوند». فرهنگ همدان. سال پنجم. شماره ۱۹ و ۲۰. صص: ۶-۱۷.

- Contenau. G. & Ghirshman. R. (1935). *Fouilles De Tepe Giyan Pers De Nehavand*, Paris.

- Hemati Azandaryani, E. & Khaksar, A. (2013). "A newly-found diagnostic Bronze-Age Burial from Tapeh Giyan, Nahavand, Iran". *J. Archeology of SAP*, 2(3). pp: 47-51.

- Redman, C. L., Curtin, Versaggi, & Wanser, (1978). "Social Archaeology: The Future of the Past". *Social Archaeology: Beyond Subsistence and Dating*, C. L. Redman et al., editors. Academic Press, New York. Pp: 1-18.